

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: برایان برلنیک  
برگردان: م. قربانی  
۲۰ دسمبر ۲۰۲۳

## وسواس وافر واشینگتن برای مهار چین همچنان ادامه دارد



در حالی که دیدار نیمه نومبر رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ، و رئیس‌جمهور امریکا، جو بایدن، در سان فرانسیسکو از سوی برخی تحلیلگران به معنای بهبود روابط میان امریکا و چین تلقی می‌شد، واشینگتن همچنان سیاست تشدید محاصره و مهار چین، این قدرت نوپدید را با ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی دنبال می‌کند.

\*\*\*\*

محتمل‌ترین توضیح اقدام امریکا در برابر چین که موجب تسریع جلسه اخیر شد، بازی شناخته شده‌ای است که واشینگتن در ظاهر نشان دهد که در حال جست‌وجوی رهیافت دیپلماسی است، در حالی که عملاً آنرا تضعیف می‌کند.

### مهار چین: سیاست چند ده ساله امریکا

هرچند رسانه‌های غرب نشان می‌دهند که سیاست‌های امریکا در قبال چین از دولتی به دولت دیگر متفاوت است، واقعیت اینست که آنان سیاست واحد محاصره و مهار چین را از جنگ دوم جهانی به این سو، دنبال کرده اند. وب‌سایت وزارت خارجه امریکا که از طریق «دفتر مورخ» تعداد زیادی از یادداشت‌ها و اسناد دیگر را منتشر می‌کند، سیاست خارجی ایالات متحده را طی دهه‌ها منعکس می‌کند.

وزیر دفاع امریکا رابرت مک نامارا در سال ۱۹۶۵ یادداشتی تحت عنوان «دوران عمل در ویتنام» به رئیس‌جمهور لیندن جانسون می‌نویسد و تأکید می‌کند که چگونه اقدامات نظامی امریکا در ویتنام مستقیماً به «سیاست درازمدت امریکا برای مهار چین کمونیستی» مرتبط است.

همین یادداشت اقرار می‌کند که سیاست مهار در همراهی با سه جبهه، «(الف) جبههٔ جاپان-کوریای؛ (ب) جبههٔ هند-پاکستان؛ و (ج) جبههٔ آسیای جنوب شرقی» دنبال می‌شود.

چین، در آن زمان، درست مانند اکنون، به عنوان مانعی در برابر هدف نهائی واشینگتن برای حرکت جهان «به سمتی که ما ترجیح می‌دهیم»، تلقی می‌شد.

واشینگتن، چه در گذشته و چه در حال حاضر، تمایل آشکاری به دیکته کردن چگونگی ادارهٔ امور جهان در داخل و خارج از مرزها داشته و دارد. یک ملت (یا گروهی از کشورهای چند جانبه‌گرا) که دارای قدرت اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی کافی باشند می‌توانند در برابر برتری بی‌رقیب واشینگتن چنان مانعی ایجاد کنند تا دیگر نتواند هر زمان، در هر جایی و بدون گریز از مجازات، دست به هر اقدامی که مایل است، دست بزند. شکوه یادداشت ۱۹۶۵:

*چین - مانند المان در سال ۱۹۱۷، مانند المان در غرب و جاپان در شرق در اواخر سال‌های ۱۹۳۰، و مانند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۴۷ - به عنوان یک قدرت بزرگ ظاهر می‌شود، قدرتی که اهمیت اثربخشی ما را در جهان تضعیف می‌کند، از راهی دورتر ولی تهدیدآمیزتر، تمام آسیا را علیه ما سازمان می‌دهد.*

هراس از این نبود که چین در درون مرزهای امریکا، آسیا را علیه امریکا متحد کند، بلکه علیه حضور امریکا در منطقهٔ آسیا-اقیانوسیه، هزاران مایل دورتر از سواحل خود را سازماندهی کند. اتحاد شوروی آن زمان، و فدراسیون روسیهٔ امروز، تهدیدی علیه مرزهای امریکا نبود و نیست، اما این کشور قابلیت دیکته کردن در امور اروپا، یک اقیانوس دورتر از سواحل شرقی خود را دارد.

همکاری فزایندهٔ روسیه با اروپا تا مقطع عملیات ویژهٔ نظامی در سال ۲۰۲۲ تهدید مشابهی بود - نه علیه کشور امریکا - بلکه تهدیدی برای نفوذ غیرقابل توجیه آن بر قارهٔ اروپا.

چین، هم آن زمان و هم امروز یک چنین «تهدیدی» به شمار می‌رود. ظهور چین هم زمان کشورهای پیرامونش را قدرتمند می‌سازد، بدیلی است برای اقدامات استثماری وال استریت و واشینگتن، که شامل توسعهٔ زیرساخت‌ها و بازرگانی می‌شود، نه کارگاه‌های بهره‌کشی و پایگاه‌های نظامی. هم چین و هم تعداد رو به فزونی از کشورهای منطقهٔ اقیانوس آرام دیگر به خواسته‌های امریکا متکی نیستند و نسبت به سیاست‌های داخلی و خارجی خود قاطعیت نشان می‌دهند.

ایالات متحده چندین دهه کوشید تا از وقوع چنین تحولاتی جلوگیری کند، از جمله با ایجاد جنگ‌های ویرانگر در ویتنام، لائوس و کامبوج و درگیر کردن کشورهای تایلند، فیلیپین و حتی جاپان و استرالیا. پس از پایان جنگ ویتنام، ایالات متحده به اقدامات مخفیانه و مداخلهٔ سیاسی از طریق سازمان سیا و سپس «موقوفهٔ ملی برای دموکراسی» و سازمان‌های مجاور آن روی آورد.

با توجه به اقدامات مخرب و بی‌ثبات کننده‌ای که اخیراً ایالات متحده برای کنترل مجدد اروپا پشت سر گذاشته است، ترس از اقدام مشابه امریکا در سراسر منطقه هند و اقیانوس آرام موجه به نظر می‌رسد.

### **بازگشت به سوی درگیری‌های منطقه‌ای**

ایالات متحده برای حفظ تسلط بر منطقه هند و اقیانوس آرام، به سیاست اقدامات آشکار و مداخلهٔ سیاسی خود ادامه می‌دهد، در عین حال نیروهای نظامی خود را در منطقه پیش از درگیری احتمالی با چین افزایش می‌دهد.

میانمار که با استان یوننان چین هم‌مرز است، هدف بی‌ثباتی خشونت‌بار قرار گرفته است. به دنبال کودتای نظامی در سال ۲۰۲۱ و بیرون راندن رژیم امریکائی آن سان سو کی، ستیزه‌جویان مسلح کشور را به جنگ داخلی کشاند. ستیزه‌جویان مورد حمایت امریکا تنها علیه دولت مرکزی میانمار، متحد نزدیک مسکو و بیجینگ، نمی‌جنگند، بلکه مشخصاً زیرساخت‌هایی را که مشترکاً با کمک چین ساخته شده اند، مورد حمله قرار می‌دهند. از جمله می‌توان از حملهٔ اوایل سال گذشته به خط لوله ساخت چین یاد کرد که در گزارش روزنامهٔ مورد حمایت مالی امریکا، ایروادی، در مقالهٔ «حمله مقاومت در میانمار به تأسیسات خط لوله مورد حمایت چین آسیب زد» منتشر شد. این خطوط لوله بخشی از تلاش‌های چین برای دور زدن آبراه‌هایی است که به طور فزاینده‌ای مورد تهدید حضور نظامی ایالات متحده در بحیرهٔ جنوب چین و پیرامون آن قرار می‌گیرند. خطوط لوله از طریق میانمار به کشتی‌های چینی اجازه می‌دهد تا در بنادر ایالت راخین در میانمار تخلیه شوند، این تأسیسات موجب صرفه‌جویی در زمان و انرژی می‌شود و جایگزین عبور از تنگه مالاکا از راه بحیرهٔ چین جنوبی به سمت سواحل جنوبی و جنوب شرقی چین است.

علیرغم ادعاهائی که حضور نظامی امریکا در بحیرهٔ جنوب چین برای «حفاظت از آزادی بحرنوردی» عنوان می‌شود، دولت امریکا و اتاق فکر مورد حمایت مالی صنعت تسلیحات، مرکز استراتژیک و مطالعات بین‌المللی (CSIS) در مقاله‌ای زیر عنوان «چقدر ترانزیت در بحیرهٔ جنوب چین؟» اعتراف می‌کند که اکثر حمل‌ونقل بحری در بحیرهٔ جنوب چین عملاً میان چین و شرکای بازرگانی‌اش در منطقه صورت می‌گیرد. بنابراین، امریکا برای حفاظت از این حمل‌ونقل حضور ندارد، بلکه تهدیدی بالقوه برای قطع کامل حمل‌ونقل است. طبق گزارش گلوبال تایمز، بنازگی ستیزه‌جویان مورد حمایت امریکا حرکات بی‌ثبات کردن میانمار در مرزهای چین را آغاز کرده، در بازرگانی و سفر اختلال ایجاد می‌کنند. آن‌ها نیروهای نظامی چین را به خشونت احتمالی مرزی تحریک می‌کنند. این تنها یک نمونه از خصومت‌های نیابتی مدام است که امریکا علیه چین انجام می‌دهد، حتی هنگامی‌که این کشور ژست دنبال کردن سیاست دیپلماسی با بیجینگ را می‌گیرد.

### امریکا برای جنگ آماده می‌شود

گذشته از جنگ نیابتی که زیرساخت‌ها و تجارت چین و پیرامون آن‌را هدف قرار می‌دهد، امریکا به افزایش حضور نظامی خود در آسیا-اقیانوسیه ادامه می‌دهد تا تجارت بحری چین را تهدید کند و موقعیت ارتش خود را پیش از اقدامات تهدیدآمیز مرتبط با جزیرهٔ چینی تایوان تقویت کند. خبرگزاری رویتر در مقالهٔ اخیرش «چگونه امریکا از فیلیپین خواست در برابر چین مانع‌تراشی کند»، اذعان می‌کند که امریکا از فیلیپین برای مهار ظهور چین استفاده می‌کند. مقاله معترف است:

*تحلیلگران نظامی معتقدند که فیلیپین، همسایهٔ تایوان در جنوب، سکوی ضروری برای امریکا به منظور کمک به تاپیه در صورت حملهٔ چین خواهد بود. حزب حاکم کمونیست چین، تایوان را که به شکل دموکراتیک اداره می‌شود، بخش جدائی‌ناپذیری از خاک چین می‌داند و استفاده از زور برای تحت کنترل گرفتن جزیره را رد نمی‌کند.*

رویتر این واقعیت را نادیده می‌گیرد که فیلیپین عملاً بزرگترین شریک تجاری چین است و تنها شریکی است که قادر است زیرساخت‌های مدرنی را که فیلیپین شدیداً به آن نیاز دارد، بسازد تا به بقیه کشورهای در حال رشد جنوب شرقی آسیا که از این روابط رشد یابنده استفاده می‌کنند، برسد.

فیلیپین به جای همکاری با چین برای ساخت خطوط راه‌آهن، بنادر و کارخانه‌های برق به امریکا اجازه می‌دهد که حضور نظامی‌اش را در مجمع الجزایر و اطرافش گسترش دهد و مانیل را به سوی مقابله با چین سوق دهد. درست مانند اوکراین که پس از تسخیر سیاسی امریکا در سال ۲۰۱۴ و قطع روابط سیاسی خود با روسیه به سوی سقوط اقتصادی کشیده شد، فیلیپین نیز به عنوان نیروی نیابتی امریکا در همان راه خود-تخریبی گام برمی‌دارد.

امریکا از فیلیپین نه فقط برای ادامه تشنج در بحیره جنوب چین، بلکه برای نزدیک‌تر کردن نیروهای نظامی خود به تایوان استفاده می‌کند. به رغم این‌که واشینگتن رسماً حاکمیت چین بر تایوان و سیاست «چین واحد» را به رسمیت می‌شناسد، به طور غیررسمی این سیاست را همراه با قوانین بین‌المللی زیر پا می‌گذارد. امریکا پیوسته به تعداد نیروهای نظامی مستقر در تایوان می‌افزاید، فروش تسلیحات به دولت تایپه را ادامه می‌دهد و با مداخله سیاسی درازمدت در نظام سیاسی محلی تایوان سرمایه‌گذاری می‌کند.

طی سال‌ها، امریکا برای به قدرت رساندن «حزب مترقی دمکراتیک تایوان» کمک کرد و در جنبش سیاسی سرمایه‌گذاری کرد تا همکاری‌های رو به رشد تایوان و بقیه چین را متوقف کند و اخیراً نیز از عناصر جدائی‌طلب رو به رشد در تایپه حمایت می‌کند. بنا بر گزارش نیویورک تایمز، پیش از انتخابات ۱۳ جنوری ۲۰۲۴ ویلیام لای، نامزد ریاست جمهوری «حزب مترقی دمکراتیک» تایوان، یک نیمه امریکائی به نام سیائو بی-خین را که قبلاً شهروند امریکا بوده و برای ورود به سیاست در تایوان شهروندی امریکا را کنار گذاشته است، به عنوان معاون خود برگزیده است. او در طول سالیان دراز در کنار کنگره امریکا در واشینگتن علیه چین فعالیت داشته است.

امریکا دهه‌هاست با تحریکات نظامی، سیاسی و اقتصادی علیه چین و مردم آن، مشغول اجرای سیاست مهار چین است، اما اگر چین به عمل مشابهی دست بزند امریکا آنرا اقدام جنگی تلقی خواهد کرد. بیجینگ به جای تعجیل در جنگ، صبر و شکیبائی خود را حفظ می‌کند و اطمینان دارد که زمان به سود اوست و کاملاً آگاه است که امریکا دیر یا زود به دنبال درگیری با چین است.

بیجینگ معتقد است که هر سالی که می‌گذرد، نفوذ امریکا کمتر و همزمان نیروی اقتصادی و نظامی چین افزایش می‌یابد. زمانی فرا خواهد رسید که چین به نقطه عطف غیرقابل بازگشت پیشی از امریکا خواهد رسید. آن زمان، چین قادر خواهد بود مشکلات بسیاری را که ایالات متحده به وجود آورده است درون مرزهایش به شیوه‌ای معقول و سازنده حل کند. هدف بیجینگ پرهیز از تحریکاتی است که به دنبال درگیر کردن آن در مناقشه در مناطقی مانند میانمار یا سوزاندن قلمرو خود مانند تایوان پیش از رسیدن به این نقطه عطف است. تنها زمان نشان خواهد داد که آیا شکیبائی و ظرفیت چین برای ساختن خود و منطقه می‌تواند دوام بیاورد و بر توانائی واشینگتن برای تضعیف و سوزاندن همه آن‌ها فایده‌آید. در حال حاضر، روشن است که علی‌رغم اقدامات ظاهراً دیپلماتیک واشینگتن در قبال بیجینگ، سیاست مهار به هر قیمت، پابرجا باقی مانده است.

\*\*\*\*\*

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک/ منتشر شده در تاریخ: ۷ دسمبر ۲۰۲۳